

سنگسار



"دکترسیّد مصطفی آزمایش"

فقیه - حقوقدان و اسلام شناس

آدمکشی به سبکی

عصر حجر

برنامه ای از

« دُرّ تی - وی »

"سنگسار ، عملی موهن بر علیه اسلام و قرآن مجید"

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا

و هرگاه یک نفر، مرتکب قتل (فقط یک شخص دیگر) شود بی آنکه ما به ازای نفسی باشد
و یا به قصد فساد در زمین (کسی را) بکشد
مانند آن است که مرتکب جنایتی علیه تمامیت بشریت شده است.

« قرآن مجید آیه ۳۲ سوره مائده (سوره ۵) »

"مجازات سنگسار ، یک غرف دقیانوسی و مخالف قرآن مجید است"

سؤال :

آقای دکتر لاهیجی آیا سنگسار در مجموعه قوانین جمهوری اسلامی هست؟

پاسخ :

بله! در مجموعه قوانین که وجود دارد.

علاوه بر آن یک لایحه هم به مجلس جدید داده اند که در آن همچنان مجازات سنگسار ابقاء شده است و علاوه بر آن هم برای اولین بار ارتداد به عنوان یک جرم مطرح شده و مجازات یک مرتد را هم اعدام گذاشته اند. این لایحه ای است که کلیاتش تصویب شده و به صورت تفصیلی هم قرار است تصویب شود. بازتاب بین المللی آن این است که چه سنگسار و چه هر مجازات بدنی دیگری به عنوان یک مجازات تلقی نمی شود ، به عنوان شکنجه تلقی می شود. ماده یک کنوانسیون ۱۹۸۴ راجع به شکنجه می گوید ، شکنجه یک عملی است که بر ضد تمامیت جسمی یا روانی یک انسان صورت می گیرد اعم از اینکه به منظور گرفتن اقرار باشد یعنی همان شکنجه کلاسیک یا به منظور مجازات باشد.

بنابراین هر عملی اعم از شلاق زدن تا انواع ضرب و جرحهای دیگر از سنگسار گرفته تا قطع دست تا نقص عضو در قصاص عضو حتی مصلوب کردن هم هست. وقتی مجازات محارب را می گوید می تواند یک دست و یک پا را ببرند و بعد به دار بکشند. اینها در قانون مجازات اسلامی است ، قابل اجرا در دو دهه و نیم جمهوری اسلامی.

دکتر عبد الکریم لاهیجی حقوقدان و نایب رئیس فدراسیون بین المللی دفاع از حقوق بشر در گفتگو با "دُرّ تی - وی"



در دوران « نانو تکنولوژی » ، سنگسار آخرین سنگر عصر حجر است که همچنان در ایران برقرار باقی مانده !!



آیت الله شاهرودی، رئیس قوه قضائیه در جمهوری اسلامی

به عنوان ریاست قوه قضائیه بیش از این اجازه ندهید تا این نماد موهن سبب « وَهَن » اسلام عزیز شود.

«سخنرانی دکتر کوشا»

نشست بررسی «سیاست جنایی ایران در لایحه قانون مجازات اسلامی؛ انطباق با اسناد حقوق بشری یا موازین فقهی» در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران برگزار شد.

به گزارش خبرنگار حقوقی ایسنا، دکتر جعفر کوشا، استاد دانشگاه شهید بهشتی و رییس کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه در این نشست، در رابطه با اجرای حدود اظهار کرد:

"مجازات رجم، مبنای قرآنی ندارد و مبنای آن روایی است و اجرای رجم با اختیار ولی امر در زمان غیبت ولیعصر (عج) قابل تبدیل به حبس است."

بخش نخست

با سلام و درود به یاران عزیزم و با آرزوی توفیق و سلامتی شما یاران گرامی در کلیه مراحل زندگانی.

در قرآن مجید ، خداوند بزرگ ، مطلبی را مورد عنایت قرار داده است که در اینجا آنرا برای شما بیان می کنم و بسیار حائز اهمیت است : راجع به زندگی اجتماعی و قانون مجازات اسلامی و قضا در اسلام است.

بطور کلی و پیش از ورود در این مبحث باید بدانیم که در یک سیستم دموکراتیک بالاترین خصوصیت ، استقلال قوه قضائیه از برای حفظ عدالت و اقامه عدالت است ؛ بدون اینکه تحت تأثیر هیچ نیرویی، قرار داشته باشد یعنی به غیر از اینکه قاضی در اجرای قوانین باید توجهش به خداوند باشد ، تحت نفوذ هیچ کسی نمی تواند و نباید قرار بگیرد و این یکی از خصوصیات یک جامعه ایده آل است که در آن عدل اقامه می شود. خداوند در آیه های مختلف قرآن به این هدف غایی اشاره دارد ، وقتی می فرماید :

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا لِلنَّاسِ الْقِسْطَ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

«سوره حدید (سوره ۵۷) آیه ۲۵»

و در آیه دیگری بیان می فرماید :

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

«سوره ص (سوره ۳۸) آیه ۲۶»

اینجا مقوله حق (عدل) و در آن آیه مقوله قسط که این دو مقوله حق (عدل) و قسط را قبلاً در درسهای پیشین بیان کردم. اما نشانه یک جامعه صحیح و یک جامعه نسبتاً فاضله برپا شدن حق (عدل) در آن جامعه است. حق (عدل) ، عدل و قسط . حال ما به این منطبق ، که از قرآن مجید استنباط می کنیم می خواهیم به شناخت فساد پردازیم ، چرا که خداوند در قرآن مجید در آیه دیگری می فرماید :

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ

«سوره روم (سوره ۳۰) ، آیه ۴۱»

به آنچه که دستهای مردم کسب می کند(اعمالی که انجام می دهند) فساد در زمین و دریا برپا می شود.

ممکن است چه نوع فساد بوجود بیاید؟ به این ترتیب که یک سیستمی به جای اینکه روابط اجتماعی را مبتنی بر عدل بکند مبتنی بر ظلم بکند. یعنی هرگاه که ظلم جای عدل را بگیرد و عدل در طاق نسیان بیافتد خودبخود فساد حاکم می شود و بخصوص در جوامعی که فساد و ترویج فساد جنبه سیستماتیک پیدا می کند غلبه اش

خیلی بیشتر و تباهی هرز و نسل بسیار زیاد می شود. حال ، بدتر از همه این است که در یک سیستمی فساد بجای اصلاح و با ادعای صلاح شروع به پراکنده شدن کند ، این بدترین نوع سیستم است. یک سیستمی که منکر خداوند است و منکر روز جزاست و منکر آخرت است و می گوید هرچه هست "إِلَّا الدَّهْرُ" ، همین روزگار است ، همین دنیا است ، تمام شد و رفت پی کارش .

وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ

«سوره جاثیه (سوره ۴۵) ، آیه ۲۴»

تمام شد رفت. اما یک سیستمی که می گوید من معتقد به روز جزا و خدا هستم که نمی تواند هر کاری که دلش می خواهد بکند. نیرو های اجرا کننده قانون نه فقط باید تابع قانون باشند و سر خود نمی توانند کاری بکنند بالاتر از آن (بالاتر از قانون) باید هدف خداوند را در تشریح شرع مقدس دنبال بکنند که مبتنی بر تربیت انسان است. حال در این میان می رسیم به قانون مجازات اسلامی که کسانی که نظامی اسلامی می خواهند درست بکنند تصوّرشان برای خودشان حداقل این است که اگر ما قدرت اجرایی در مملکت به دستمان افتاد می خواهیم عدل اسلامی را اقامه بکنیم که به کسی ظلم نشود و یک نمونه ای بشود در جهان برای اینکه در آن نظام سجایای اخلاقی و کرامت انسانی پاس داشته می شود.

«در تعارض میان آیات قرآن و روایات»

قرآن مجید رجم و سنگسار را مردود می داند ، اما عده ای با جستجوی دو روایت ضعیف ، سنگسار را در مجموعه قوانین مجازات اسلامی ابقاء کرده اند.

اظهار نظر آیت الله محقق داماد در مصاحبه با خبرگزاریها :

نظر شخصی من این است که حکم رجم در قرآن نبوده و نیست.
از نظر من اجرای حکم رجم وهن است.
به طور کلی مبنای من این است که مجازات‌های حدود در زمان غیبت نباید اجرا شود.

مقاله‌ای در این زمینه نوشته‌ام و در مجله فصلنامه دانشکده حقوق دانشگاه تهران چاپ شده است و در آن بیش از هشتاد منبع فقهی استفاده شده است.

روایتی است از عایشه که ایشان (عایشه) می گوید این آیه بر روی برگ درختی نوشته شده بود که بر روی تخت ما بود که ما می‌خوابیدیم با پیامبر(ص) ، وقتی رسول الله فوت کردند آن روز منزل شلوغ شد و نَعجَه‌ای (بزغاله) آمد و آن برگ را خورد و آیه خورده شد.

دلیل محکم در فقه شیعه حکم اجماع فقهاء است.

البته امام خمینی از طریق دیگری تقریباً رجم را تعطیل کردند و فرمودند اگر اینگونه مجازات‌ها موجب وهن اسلام می‌شود ما نباید آنرا اجراء بکنیم در زمان حیات ایشان رجم تعطیل شد زیرا موجب وهن اسلام تشخیص داده شد.



آیت الله مصطفی محقق داماد

حال ما می رسیم به خصوصیات سلبی و خصوصیات ایجابی ؛ یعنی خصوصیاتی که باید در یک چنین سیستمی وجود داشته باشد و چیزهایی که نمی تواند وجود داشته باشد. که هر دوی آنها به مقوله تربیت و کرامت بنی آدم بر می گردد. حال توجه بفرمائید که خداوند در قرآن مجید در دو سوره ، یکی سوره یس و دیگری سوره کهف اشاره به یک عرف مذموم بنام سنگسار دارد. در قرآن مجید! و سنگسار را به عنوان یک مجازات غیرتوحیدی و ضد ارزشهای اسلامی و ضد اسلام معرفی می کند به مثابه نوعی از سیطره خوف و وحشت در جامعه توسط « مُتْرَفِین » ، یعنی از خدا بی خبران و کافران و مشرکان که اصحاب زر و زور و تزویر بوده اند. در چه زمانی؟ در عهد دقیانوس!

یعنی قانون سنگسار یا قانون (Français) Lapidation یا قانون (English) Stoning این متعلق به عهد دقیانوس است یعنی در زمانیکه حضرت عیسی (ع) زندگی می فرمودند ، در آن دوران! در بین بعضی طوایف یهود معمول این بود که مجازات سنگسار را در مورد زنانی مُحصنه اعمال می کردند و یک مورد پیش آمد که خانمی را آوردند برای اینکه او را متهم به زنا محصنه کرده بودند و می خواستند سنگسار کنند ، خدمت حضرت مسیح آوردند و ایشان منع کردند و گفتند این کار را نکنید ، کسی قدم پیش بگذارد برای اینکه نخستین سنگ را پرتاب کند که خودش گناهی نکرده باشد. اما بطور کلی فقهای اسلام نظرشان این است که اصلاً در واقع مجازات سنگسار قابل اجرا نیست بخاطر اینکه اصولاً جرمش قابل اثبات نیست. چون نیاز به چهار شاهد عادل دارد که زنا محصنه را به چشم خودشان دیده باشند و عادل هم باشند. پس به طریق شهادت شهود قابل استماع نیست مگر اینکه شخصی خودش اقرار به این کار کند که آن شخصی که اقرار به این کار می کند اگر از نظر خودش برگردد و بگوید که به دروغ اقرار کرده ام ، قاضی کارش متوقف می شود و دیگر نمی تواند ادامه بدهد. یعنی جرم زنا محصنه قابل اثبات نیست؛ چه برسد به اینکه مجازاتش بخواهد اجرا شود. حضرت عیسی فرمودند: این کار را تعطیل کنید (آنموقع!) ، اما در آن دوره آن کسانی که به حضرت عیسی گوش نمی دادند و از ایشان به عنوان حجت خدا بر روی زمین اطاعت نمی کردند ، این کار را پیروی می کردند و این عرف را می خواستند ادامه بدهند. تا اینکه ما می رسیم به دوران دقیانوس که در واقع یکی از پادشاهان روم بوده است که معاصر عصر جانشینان عیسی (ع) بوده است و او نسبت به پیروان آئین توحیدی حضرت عیسی (ع) سختگیری می کرده و در نتیجه اینها که همان اصحاب کهف و قتیان یعنی جوانمردان بوده اند به کوه پناهنده می شوند و در قرآن مجید می فرماید " مواظب باشید که آنها به راز ما پی نبرند [وقتی می خواستند برگردند به شهر تا یک نانی بخرند] چون آنوقت ما را می گیرند و یا ما را مخیر می کنند که سنگسار بشویم (رجمان می کنند) و یا اینکه باید کیش و ملت آنها را پیروی بکنیم و از دین و آئین و عقیده خودمان که توحید است برگردیم" و به همین دلیل است که اصلاً به کوه رفتند. چون در دوران دقیانوس آن حکام آن زمان که از خدا بی خبر بودند و کافر بودند و حضرت عیسی را نپذیرفته بودند و عیسویان را تعقیب می کردند و از بین می بردند ، همان اصحاب زر و زور و تزویر ، همان حکمرانان ، آنها این مجازات را برای سرکوب و ارعاب مردم بکار می گرفتند که یک آرامش گورستانی در جامعه حاکم کنند. این از این داستان.

در قرآن مجید نمونه دیگری از برخورد مُرسَلینی که توسط حضرت عیسی برای دعوت مردم فرستاده شده بودند نیز بیان شده است. آن عبارت است از ماجرای است که در سوره « یس » (سوره ۳۶) تشریح شده است.

وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (آیه ۱۳)
إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ (آیه ۱۴)
قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (آیه ۱۵)
قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (آیه ۱۶)
وَ مَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (آیه ۱۷)
قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (آیه ۱۸)

وقتی که این سه رسول مُرسَل از طرف حضرت عیسی (ع) به قریه ای وارد شدند برای دعوت مردم به توحید و به دستورات حضرت عیسی، اصحاب زر و زور و تزویر یعنی طبقه حکمران ، طبقه حاکمه یعنی مُتَرَفِین اینها سر راهشان را گرفتند و گفتند از اینجا برگردید بروید و حق ندارید که با مردم ارتباط برقرار بکنید و اگر که اصرار در ماندن اینجا بکنید ما شما را سنگسار می کنیم و شکنجه های دهشتناکی از ما به شما خواهد رسید.

دنباله این آیات را خودتان می توانید در سوره « یس » مطالعه کنید و مورد مذاقه قرار دهید، آنجائیکه شخصی به دعوت این رسولان می گردد و او را می گیرند و شکنجه می کنند و او را از پا می اندازند و می کشند و او وارد بهشت می شود و می گوید ای کاش مردم می دانستند که خداوند با چه رحمتی در رضوان خودش را روی من گشوده و تن به ظلم و ستم نمی دادند. حال این مطالبی است که در قرآن مجید راجع به رجم ذکر شده است ، عزیزان. در سوره «کهف» و در سوره «یس» درباره رجم به عنوان مجازاتی که در جامعه اعمال می شده است و گرنه ما واژه رجم را زیاد داریم به عنوان اینکه مثلاً ابلیس (شیطان) مرجوم است ، یعنی مورد غضب خداوند قرار گرفته و سنگ غضب خداوند به شیشه سرنوشت او پرتاب شده است. اما به عنوان مجازات دارم راجع به آن صحبت می کنم مجازات سنگسار در قرآن مجید در جوامعی اعمال می شده که قانون الهی و توحیدی در آن جاری نبوده است و توسط کسانی اعمال می شده است که طبقه حاکمه ظلمه و ستمکاران را تشکیل می دادند یعنی هرگز در هیچ آیه قرآن مجید گفته نشده است که پیغمبری آمده است و به مردم خودش گفته است که یا به توحید گردن بگذارید یا شما را سنگسار می کنم ، یا اینکه شراب خوردن را ترک کنید یا شما را سنگسار می کنم ، یا افعال بد و حرام را ترک کنید یا شما را سنگسار می کنم. هرگز چنین مطلبی در سراسر آیات شریفه قرآن مجید نیامده است برعکس گفته شده است که کفار و مشرکینی که به قدرت حکومتی دست پیدا می کردند از موقعیت و قدرت خودشان سوءاستفاده می کردند و برای ایجاد آرامش گورستانی در جامعه مردم را متهم به زنا می محصنه می کردند یا به مردم اتهامات دیگری می زدند و بعد آنها را در ملا عام سنگسار می کردند تا دیگران ببینند و مردم را وادار به شرکت در سنگسار می کردند و دستور می دادند که آنها برای سنگسار سنگهای کوچکی پرتاب کنند که آن شخص به تدریج بمیرد و اسباب عبرت دیگران شود که دست از مخالفت و مقاومت در برابر ستمگران و جباران بردارند. عزیزان! نتیجه ای که از این مقوله می خواهم بگیرم این است که ، در قرآن مجید ما تکیه گاهی برای رجم یا سنگسار به عنوان یک ماده از قانون مجازات اسلامی نداریم رجم (سنگسار) در قرآن مجید [که پایه اسلام را تشکیل می دهد] خودش (رجم) نمی تواند پایه باشد. یعنی سنگسار مبنای قرآنی ندارد. سنگسار در قرآن به عنوان یکی از مواد قانون مجازات اسلامی مبنای و پایه ندارد. پس از شاخصه های سیستمهای غیر اسلامی می تواند باشد اما در یک سیستم اسلامی نمی تواند باشد. پس چطور می شود که در جمهوری اسلامی شخصی می آید و می گوید : من می خواهم سنگسار بکنم؟



آیت الله شاهرودی، رئیس قوه قضائیه در جمهوری اسلامی

آقای آیت الله شاهرودی بنده به عنوان یک مجتهد در فقه و اصول اسلامی دارم خدمت شما صحبت می کنم شما رئیس قوه قضائیه در جمهوری اسلامی هستید یعنی نظامی که داعیه پیاده کردن قرآن مجید و ارزشهای اسلامی را دارد.

چطور در یک چنین سیستمی می تواند سنگسار اعمال شود؟

در دوران « نانو تکنولوژی » ، سنگسار آخرین عصر حجر است که همچنان در ایران برقرار باقی مانده !!
به عنوان ریاست قوه قضائیه بیش از این اجازه ندهید تا این نماد موهن سبب «وهن» اسلام عزیز شود.

یعنی این شایعه نیست ، این تهمت و اتهام به نظام نیست. قابل انکار هم نیست ، شخص شما قبول کرده اید در دورانی که شما ریاست قوه قضائیه را در ایران به عهده داشته اید در تاجیکستان قزوین سنگسار صورت گرفته است و مردی را تا کمر گذاشته اند وسط خاک و مردم دیگر را جمع کرده اند و گفته اند اینقدر به سر این سنگ بزنید تا این کشته شود.

مجازات سنگسار ، یک عرف دقیانوس و مخالف قرآن مجید است

بعد مسئولیتش را به گردن قاضی آن منطقه انداخته اند ، قاضی آن منطقه مگر از کره مریخ آمده؟ مگر از کره ماه آمده است؟ مگر موجود غیرزمینی است که هرکاری دلش بخواهد بکند ، مگر در جمهوری اسلامی قانون وجود ندارد؟ مگر قوه قضائیه یکی از سه قوای مستقل در ایران نیست؟ مگر دادگستری وزارتخانه ندارد؟ مگر دستگاه عدلیه نیست؟

اگر هست؟! پس چطور شخصی می تواند بطور سرخود به عنوان قاضی یک شهروند ایرانی را سنگسار کند و او را بکشد؟ این می شود جنایت به اسم دین و به اسم اسلام ، این سبب وهن اسلام می شود ، این سبب لگه دار کردن نام اسلام می شود.

بنده در این زمینه یک نامه سرگشاده ای به آیت الله جناب محمدتقی فاضل میبیدی نوشته ام. بخاطر اینکه ایشان در سفری که به اروپا داشتند ، در سفری که به پاریس آمده بودند خبرنگار خبرگزاری رادیو زمانه با ایشان مصاحبه ای داشت و صحبت به قضیه سنگسار کشیده شد و ایشان جواب و پاسخشان که در روزنامه ها و نشریات نوشته شد این بود ، که گفتند : " اگرچه رجم (سنگسار) به عنوان یکی از مواد قانون مجازات اسلامی در قرآن مجید هست اما الان دیگر نمی شود (شاید نشود) در واقع اجراءش کرد و باید در واقع به نحوی از کنار آن بگذریم."

۱۶ تیرماه ۱۳۸۷

آیت الله فاضل میبیدی در مصاحبه ای اظهار داشت :

صریح قرآن هم هست که اگر کسی را سنگسار می‌کنید در ملا عام باشد. رییس قوه قضاییه فعلی جمهوری اسلامی دستور داد کسی را در ملا عام اعدام نکنید، سنگسار نکنید، قصاص نکنید؛ چون بدآموزی دارد. رهبر انقلاب مرحوم آیتالله خمینی در برخی موارد جلوی سنگسار زن‌ها را گرفتند. توقف آن به معنای تعطیلی قرآن نیست. می‌گوید این روش در دنیای امروز بدآموزی دارد. **وهن به اسلام تلقی می‌شود.**

اصل اولیه این است که هر چیزی که وهن به اسلام باشد باید جلوی آن را گرفت. هدف اسلام از این‌که می‌گوید دست دزد را باید قطع کنید، زن را سنگسار کنید؛ این است که در جامعه تامین مالی باشد و تامین ناموس مردم باشد. این امنیت باید تامین بشود.

حالا یک روش این است که شما سنگسار کنید، اگر این سنگسار بدآموزی داشت، وهن به اسلام بود، جواب مثبت نمی‌داد خود همان قرآن می‌گوید «تعقلون»، «تفکرون»، فکر کنید. ممکن است راه‌های دیگری برای شما باز باشد.



آیت الله محمدتقی فاضل میبیدی

بنده (دکتر سید مصطفی آزمايش) آن موقع در پاریس نبودم که با ایشان (جناب آیت الله محمدتقی فاضل میبیدی) ملاقاتی داشته باشم اما بعداً در یک مقاله ای که یک نامه سرگشاده به خود ایشان بود خطاب کردم :

چندی پیش که جنابعالی در شهرپاریس سفری داشتید بنده بنا به مناسبتی در مسافرت بودم و فرصت ملاقات و گفتگو حاصل نشد. در همان ایام در مصاحبه ای که از جنابعالی در رادیو زمانه منتشر شد مطالبی عنوان شد که چون در ارتباط با قانون مجازات اسلامی است بنده نیز خواستم تا در چهارچوب تخصص خود "حقوق و فقه اسلامی" در این مقوله نکته ای را قلمی کنم.

رجم یا سنگسار در زمره مجازاتهای اسلامی با استناد به عرف دوران اسلام قرار گرفته اما در قرآن مجید از رجم به عنوان یک مجازات اسلامی سخنی به میان نیامده است. در برخی از روایات عامه منقول است که خلیفه دوم به هنگام جمع آوری و تالیف آیات و سوره های قرآن مجید از فقدان جمله ای به مضمون " الزانی و الزانیه فارجموهما " اظهار نگرانی کرده بوده است اما از آنجا که قبول این روایت مُخل اصل تحریف ناپذیری قرآن مجید است فلذا روایت مذکور مورد اعتنا نیست. پس مسلم آن است که در قرآن مجید رجم یا سنگسار جزء مجازاتهای شرعی لحاظ نیست. اما این بدان معنا نیست که رجم "در قرآن مجید مورد اشاره قرار نگرفته باشد.

"رجم قانون مجازات ضد اسلامی"

درقرآن مجید رجم درزمره مجازاتهایی است که "مترفین" یعنی " اصحاب زر و زور و تزویر" - عموماً برعلیه رسولان و مرسلان الهی و علیه مردم تقوا پیشه به کارگرفته و بنای جباریت خود را براساس آن برپا میکرده اند. در این مورد شواهد فراوان است و کمتر رسول مرسلی بوده که جباران حکومتگر زمان او را تهدید به رجم نکرده باشند. اما برای مشاهده کامل این نمونه به چند آیه (آیات شانزده و هفده و هجده) سوره مبارکه و شریفه "یس" اشاره میکنم.

این آیات و زمره دیگری از این آیات - که مطالعه آن بر همه قرآن پژوهان ضروری است - به صراحت حکایت از آن دارد که رجم و سنگسار از آثار عرف دوران ماقبل اسلام است که به عنوان عملی ضد اسلامی و خلاف ارزش ماهوی " اشرف مخلوقات که تاج کرامت الهی برسر دارد یعنی آدمیزاد" ، در قرآن افشا شده؛ و هرگز به عنوان یکی از مواد "قانون مجازات اسلامی" مورد امضای شارع مقدس قرار نگرفته و در هیچ دوره ای ، نمیتواند در زمره هیچ یک از مواد "قانون مجازات اسلامی" بشمار رود. از تصریح دیگری که در سوره مبارکه کهف وارد شده مشخص میگردد که روش رجم و سنگسار از جمله قوانین جزای عهد دقیانوس بوده است.

برادر بزرگوار جناب آیت الله فاضل میبیدی در قرآن مجید رجم به عنوان یکی از مواد قانون مجازات اسلامی نیامده است بلکه به عنوان یکی از مواد قانون مجازات ضد اسلامی آمده است و قابل اجرا نیست که بخواهد ترک شود. در زمان پیش از حضرت عیسی در برخی از طوایف یهود و بطور کلی نزد رومیها به عنوان مترفین و ستمگران و جباران اعمال می شده است اما ارتباطی به اسلام و قرآن مجید ندارد صد در صد در قرآن مجید به عنوان یکی از مواد قانون جزای اسلامی وجود ندارد. پس قابل استناد به قرآن نیست اصلاً مسئله این نیست که ما چگونه بخواهیم از کنارش رد بشویم یا اجرائش نکنیم ، بحث بر سر این است که اصلاً قابل اجرا نیست. چون تکیه گاه قرآنی ندارد. در روایات عامه ، نه در روایات خاصه یک روایتی آمده است.

رجم یا سنگسار در زمره مجازاتهای اسلامی با استناد به عرف دوران اسلام قرار گرفته اما در قرآن مجید از رجم به عنوان یک مجازات اسلامی سخنی به میان نیامده است. در برخی از روایات عامه منقول است که خلیفه دوم به هنگام جمع آوری و تألیف آیات و سوره های قرآن مجید از فقدان جمله ای به مضمون " الزانی و الزانیه فارجموهما" اظهار نگرانی کرده بوده است اما از آنجا که قبول این روایت مُخل اصل تحریف ناپذیری قرآن مجید است فلذا روایت مذکور مورد اعتنا نیست. پس مسلم آن است که در قرآن مجید رجم یا سنگسار جزء مجازاتهای شرعی لحاظ نیست. اما این بدان معنا نیست که رجم "در قرآن مجید مورد اشاره قرار نگرفته باشد.

که در آن روایت بیان شده است بعد از رحلت رسول اکرم به هنگام جمع و تألیف آیات شریفه قرآن و در آوردن یک مجموعه ای بصورت کتاب قرآن مجید بطوریکه در حال حاضر در دست مردم است ، یکی از خلفای ثلاثه راشدین گفته اند:

" اگر نمی گفتند که فلانی قرآن را تحریف کرده است من با دست خودم این جمله را به عنوان آیه به قرآن مجید اضافه می کردم" [«الزانی و الزانیه فارجموما» یعنی مرد زناکار و زن زناکار را رجم کنید]. اما پیداست که این روایت اصلاً قابل قبول نیست چون مُخِل اصل عدم تحریف و تحذیف قرآن مجید است که مورد قبول عموم مسلمانان است. اما نشاندهنده این است که این آیه در قرآن وجود نداشته و ندارد. آیه قرآنی نیست. پس مسلم می شود که بنام قرآن که پایه اسلام را تشکیل می دهد نمی شود بخواهیم یک نظام عدل اسلامی برپا کنیم و در آن سنگسار را هم بخواهیم اجرا کنیم.

این درست نقض اصل عدالت است ، نقض اصل اسلام است ، نقض اصل عدل اسلامی است.

حال پس از اینکه مقاله نامه سرگشاده بنده به عنوان یک مقاله در برخی از سایتهای اینترنتی انتشار پیدا کرد ، سپس شنیده شد که برخی از مسلمانان متحیر شدند که اگر آزمایش درست می گوید و اینجا مطلب به این ترتیب است ، پس پایه اصل سنگسار چیست؟ چطور به عنوان یک قانون سفت و سخت اسلامی تابحال در ایران اجرا می شده است و این همه مخالفتها با آن در عرصه بین المللی صورت گرفته است ، سازمان ملل و مجامع حقوق بشری و این همه آبروریزیها ببار آورده است یعنی سبب و هن اسلام را فراهم کرده است که بزرگترین گناه است. فقها نظر داده اند که حتی اگر دستور به اجرای امری داده شده باشد اما اجرایش در یک شرایط معین سبب و هن اسلام عزیز شود نباید اجرا شود حتی اگر اصل و پایه داشته باشد چه برسد به اینکه آزمایش می گوید این اصلاً اصل و پایه در اسلام ندارد. به همین دلیل در این زمینه از آقایان مراجع استفتاء کرده اند که آقایان مراجع به استفتاء آنها با فتوای روشن خودشان پاسخ داده اند.

«استفتاء»

با عرض سلام
حضور محترم آن جناب مستطاب عرض می شود با توجه به این که
سنگسار در قرآن و در سنت رسول خدا (ص) مفقود است ، چگونه و
بر چه مبنا وارد فقه اسلام شده است؟
با کمال تشکر

باسمه تعالی

باسلام و تحیت
ضمن تشکر از ارسال نقد خود نسبت به مجازات سنگسار یادآور می
شویم :

در رابطه با مدارک دینی و شرعی رجم و سایر مطالب مربوط به
آن اخیراً جزوه ای در پاسخ به همین مطلب از طرف آیت الله العظمی
منتظری تدوین شده است که علاوه بر سایت ایشان چاپ هم شده و
در اختیار عموم قرار گرفته است بنام «مجازاتهای اسلامی و
حقوق بشر» می توانید به آن مراجعه فرمائید.

ان شاء الله موفق باشید.
والسلام علیکم ورحمة الله
دفتر آیت الله العظمی منتظری

بسمه تعالی

پاسخ آیت الله العظمی منتظری به پرسشی پیرامون حکم سنگسار در اسلام

به دنبال اجرای حکم سنگسار یک مرد متهم به زناي محصنه در هفته گذشته در تاجکستان ، پرسشهاي مکرري از محضر مبارك حضرت آیت الله العظمی منتظری (دامت برکاته) از سوی برخی مقلدین ، تشکل های حقوق بشري داخلي و خارجي و خبرگزاریها مطرح گردیده ، که معظم له در پاسخ مرقوم فرمودند:

باسمه تعالی

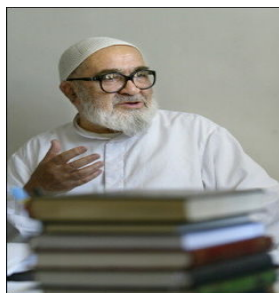
پس از سلام ، حکم سنگسار در تورات به نحو وسیعی وجود داشته ، ولی در اسلام فقط در زناي با احسان با شرایطی ثابت است . و راه اثبات آن : ۱ - شهادت چهار نفر عادل که با چشم خود عمل را مشاهده کرده باشند . - که تحقق آن بسیار بعید است . - ۲ - اقرار خود متهم چهار مرتبه در جو و محیط آزاد نه در زندان یا تحت فشار .

و اجرای آن به مجرد علم قاضي محل اشکال است . و آنچه اخیرا در تاجکستان اتفاق افتاد بر خلاف موازین بوده است . و اگر طرف بعد از اقرار انکار نمود ، انکار او بر حسب موازین فقهی مسموع است ؛ و در صورت اقرار ، طرف حق فرار دارد و اگر فرار کرد تعقیب او جایز نیست . و اگر در زمانی یا مکانی اجرای حکم شرعی موجب وهن مذهب باشد ، باید از اجرای آن خودداری نمود . با این خصوصیات که ذکر شد « در حقیقت حکم سنگسار مترسکی بیش نیست » ، برای پرهیز مردم از گناه بسیار بزرگ .

۱۳۸۶/۴/۲۱

حسینعلی منتظری

آیت الله العظمی منتظری :
در حقیقت حکم سنگسار مترسکی بیش نیست



آیت الله العظمی حسینعلی منتظری

۱۵ اکتبر ۲۰۰۸ میلادی
پاسخ به شماره: ۴۸۴۲۴
دفتر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی
بخش پاسخ به سئوالات
بسمه تعالی

سلام علیکم
در قرآن کریم حکم سنگسار کردن بیان نشده است اما در روایات
حکم سنگسار و شرایط آن بیان شده است.
قرآن یکی از منابع استنباط است. و روایات منبع دیگر. و
حکم سنگسار نیز از احکام تعبدی است و دلیل آن روایات بسیاری
است که در این زمینه وارد شده است و در حقیقت ائمه معصومین
و پیشوایان دین علیهم السلام مفسر واقعی قرآن و بیان کننده
احکام الهی هستند حکم سنگسار را بیان نموده اند. و ریشه این
حکم به زمان خود پیامبر (ص) برمی گردد و خود پیامبر (ص) حکم
رجم را بیان نموده است.



حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

پاسخ به نامه شماره ۵۲۴۶۷
دفتر حضرت آیت الله العظمی صانعی
۱۳ اکتبر ۲۰۰۸ میلادی

بسمه تعالی
ج - حکم رجم هر چند در قرآن نیامده است ولی در روایات آمده
است و آنچه مهم است آن است که حکم رجم در مواردی خاص است که
معمولاً قابل اثبات نیست.

"یعنی در قرآن چنین امری ذکر نشده است و با استناد به قرآن
نمی توانیم بگوئیم مجازات سنگسار در جامعه اسلامی می تواند
وجود داشته باشد ، نمی شود این را گفت چون در قرآن نیست."



حضرت آیت الله العظمی صانعی

بنده بالاتر از این را عرض کردم گفتم در قرآن خلافش است. یعنی به عنوان یک مجازات ضداسلامی معرفی شده است. در سنت نبوی (سنت رسول اکرم) هم نیست. در احادیث حضرت رسول اکرم (ص) هم نیست. ضمن اینکه قرآن حجیت دارد وقتی در قرآن این امر به عنوان یک قانون مجازات ضداسلامی معرفی شده است هر جای دیگر حتی در روایات هم اگر وجود داشته باشد چون مخالف قرآن است در نتیجه قابل استناد نیستند چون مخالف قرآنند. پیغمبر اکرم فرمودند اگر از من سخنی نقل کردند با قرآن مجید مطابقت کنید اگر مخالفتی با قرآن مجید داشت آن را بدور بریزید. ببینید بحث در قرآن مجید حول سنگسار به این شکل است که جای شبهه در آن وجود ندارد. به عنوان مثال ، یک عده ای از علما می گویند موسیقی جایز است یک عده می گویند موسیقی جایز نیست. یک عده می گویند قرآن خلاف موسیقی صحبت نکرده است پس موسیقی جایز است یک عده ای می گویند فلان آیه ای که در قرآن مجید است قابل تفسیر و تأویل به موسیقی هم هست و چون آن آیه قائم به حرمت و نهی است پس موسیقی هم جزء مُحَرَمات است و باید ترک شود. این دو نظر مخالف همدیگر است هر دو به قرآن هم ارجاع می دهد یا مطالبی دیگر.

اما در مورد سنگسار همه علما پذیرفته اند ، در فتوایی که داده اند گفته اند در قرآن مجید نیست. پس روی این موضوع چون هم قرآن حجیت دارد و هم اجماع وجود دارد پس دیگر تردیدی نیست که ما قرآن را به عنوان تکیه گاهی نمی توانیم برای رجم مطرح کنیم. اما بنده قرآن را به عنوان تکیه گاهی مطرح می کنم برای نفی رجم بخاطر اینکه آن را نه فقط به عنوان مجازات اسلامی معرفی نکرده است بلکه برعکس معرفی کرده است به عنوان ضد ارزش معرفی کرده است. ضد فلسفه اسلام است. در اینجا حضرت آیت الله العظمای غروی الیاری پاسخ داده اند. حضرت آیت الله العظمای صانعی پاسخ کتبی داده اند حضرت آیت الله العظمای حسینعلی منتظری پاسخ کتبی داده اند و نظریاتشان را بیان کرده اند.

پاسخی که آیت الله العظمای مکارم شیرازی داده اند خیلی صریح است.

پاسخ سؤال
۱۴ اکتبر ۲۰۰۸ میلادی
دفتر آیت الله العظمای مکارم شیرازی / بخش استفتاءات

بسم الله الرحمن الرحيم

با اهداء سلام و تحیت :

جواب : سنگسار در روایات اسلامی جایگاه محکمی دارد ولی به نظر ما در این زمان باید با مجازاتهای دیگر جایگزین شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



حضرت آیت الله العظمای ناصر مکارم شیرازی

ایشان در پاسخ کتبی شان فرموده اند که رجم تکیه گاهش در روایت است ولی در هر حال این قابل اجرا نیست و نظر خود ایشان این است که این مجازات نظر به اینکه قابل اجرا نیست باید جایگزین شود با مجازاتهای دیگر که از این صریح تر نمی شود. این نظر آیت الله العظمای ناصر مکارم شیرازی است.

حضرت آیت الله العظمای منتظری به تفصیل این مطلب را مورد بررسی قرار داده اند و فرموده اند که خیر اصلاً قابل اجرا نیست ، اولاً - سبب و هن اسلام عزیز می شود و باید ترک شود و ثانیاً - اینکه ریشه در روشهای اسلامی (روش دستورات الهی در قرآن یا روش پیغمبر اکرم) ندارد در سنت یهود بوده است.

که بنده عرض کردم که در دوران دقیانوس بوده است بر حسب قرآن مجید.

و بعد می فرمایند که قابل اثبات نیست و قابل اجرا نیست. و موردی که در تاجکستان پیش آمده است و سنگسار کرده اند این خلاف موازین اسلامی بوده است و قابل عمل نیست.

تنها جایی که مجازات سنگسار نمی تواند اجرا شود "ایران" است و تنها جایی که مجازات سنگسار هنوز اجرا می شود "ایران" است و تنها جایی که این همه سرکوفت بین المللی روی آن خورده است بخاطر این عمل شنیع ضدانسانی ، ضد اسلامی - ضد اخلاقی ، ضد تربیتی و ضد قرآنی در "ایران" است ، چطور میشود؟

حضرت آیت الله شاهرودی تا چه زمانی باید شاهد و متحمل این وضعیّت باشیم؟

در دوران «نانو تکنولوژی» ، سنگسار آخرین سنگر عصر حجر است که همچنان در ایران برقرار باقی

مانده !!



آیت الله شاهرودی، رئیس قوه قضائیه در جمهوری اسلامی

به عنوان ریاست قوه قضائیه بیش از این اجازه ندهید تا این نماد موهن سبب « وهن » اسلام عزیز شود.

بخش دوم

دوستان و همراهان دُرّ تی – وی سلام؛

در رابطه با نامه ای که جناب آقای دکتر سید مصطفی آزمایش به جناب آقای محمدتقی فاضل میبدی در رابطه با عمل سنگساری نوشتند ، علاقه مندان عزیز سئوالاتی مطرح کرده اند که پاسخ به سئوالات در پیوست قابل ملاحظه است.

«سئالات»

سنگسار و بحث تعارض میان آیات و روایات

بیننده ای سؤال کرده اند :

- اگر کلمه سنگسار به عنوان مجازات اسلامی در قرآن نیامده است پس از کجا در طول تاریخ این عمل اسلامی شناخته شده است؟
- آیا آیه ای است که این امر را تأکید و تأیید کند؟

بیننده دیگری سئوالاتی طرح کرده اند تحت عنوان :

- آیا در زمان قبل از اسلام تمامی مجرمان سنگسار میشدند یا مثل امروزه فقط زناکاران به اینگونه ، مجازات می شدند؟
- چرا مسلمانان فقط زناکار را سنگسار می کنند و دیگر اینکه قانون انتخاب اندازه سنگ برای سنگساری از کجا سرچشمه می گیرد؟ آیا در قرآن مجید این قانون آمده است؟

«پاسخ به سنوالات»

دوستان عزیز ، امیدوارم که سالم و موفق باشید.
در مورد سنگسار سنوالات مختلفی مطرح شده است که من اینها را پاسخ می دهم. عزیزان ، یکی از این سنوالات مربوط میشود به بحث تعارض بین آیات شریفه قرآنی و روایات ، اولاً برای روشن شدن این مطلب به خدمتتان عرض می کنم ، حقوق اسلامی مبتنی بر چهار پایه است :

۱- یکی از آنها قرآن مجید است که البتّه مهمترین در میان این چهار رکن قرآن مجید است و توضیح می دهم چرا؟

۲- سنّت رسول اکرم (ص) برای فقه عامّه و سنّت رسول اکرم (ص) و بطور کلی چهارده معصوم است در فقه خاصّه ، دو منبع فقهی دیگر برای استنباط احکام باقی می ماند که یکی :

۳- عقل است.

۴- اجماع است.

که این مطلبی را که شیعیان نامش را گذاشته اند عقل در واقع اهل تسنّن به آن می گویند قیاس و با همدیگر تفاوتی خاصی دارد اما در هر حال هر دو روشهای عقلانی برای استنباط احکام در اثر نگاه به قرآن مجید و سنّت معصومین از جهت دادن نظر در مورد احکام ثانویه است ، و منبع آخر در واقع اجماع است یعنی اینکه فقها و مجتهدان و مراجع در واقع بر سر موضوعی نظر مشابه با همدیگر داشته باشند به این می گویند "اجماع".

در نتیجه چهار منبع است ؛ اما حال بحث ما بر سر این است که اگرچه قرآن مجید یکی از منابع اربعه محسوب می شود اما مهمترین منبع محسوب میشود ، چرا ؟ چون اصلاً قرآن مجید پایه دین است. قرآن مجید اصل دین است. قرآن مجید متشکل از آیاتی است که تقسیم شده است : به محکم و متشابه در خود قرآن مجید ، محکّمات و متشابهات ؛ بحث تفسیر آیات و در واقع اصول ، از اینجا شروع می شود که ما نخست آیه های شریفه قرآن مجید را بفهمیم و بعد بتوانیم از آنها احکام را استنباط نماییم.

اما اینها همه به قرآن مجید بر می گردد. استخراج حکم به احکام ثانویه یعنی مطالبی که جامعه در تحوّل تاریخی خودش با آن مواجه می شود مانند همین "کلوناژ" و "لقاح مصنوعی" ؛ اینها مطالبی است که قبلاً نمی توانسته وجود داشته باشد که برایش حکمی صادر شود چون تکنولوژی تا به این حدّ تحوّل پیدا نکرده بوده ، علم به این درجه از کمال نرسیده بوده ، فلذا حکمی برایش صادر نشده بوده ، اما در شرایط کنونی که مسلمانان در برابر چنین امری قرار می گیرند می خواهند ببینند که حکمش چیست؟

در نتیجه آن کسانی که دارای قوه استنباط هستند یعنی دارای نیروی اجتهاد هستند اینها می آیند و آن حکم را استخراج می کنند از چه چیزی؟ از قرآن مجید. بعد سنّت رسول اکرم است بعد مطالب دیگر که بیان شد.

اما طبیعتاً سنّت رسول اکرم منبعی مکمل قرآن مجید است ، یعنی سنّت رسول اکرم در تداوم قرآن مجید است ، یعنی سنّت رسول اکرم در عرض قرآن مجید نیست در ادامه قرآن مجید است ، یعنی نگاه کردن به سیرت رسول اکرم به گفتار و کردار ایشان به رفتار ایشان به مطالبی که ایشان فرموده اند به این مجموعه ما را با قرآن مجید بیشتر آشنا می کند نه اینکه سنّت رسول اکرم تصوّر شود خدای نکرده در تقابل با قرآن مجید است ، یعنی قرآن یک چیزی گفته است و پیغمبر اکرم یک چیز دیگری فرموده اند یا کار دیگری کرده اند ، حالا ما باید بیاییم بشینیم فکر کنیم کدامش را انتخاب کنیم اصلاً به این شکل نیست.

حال اینجاست که مقوله تعارض بین آیات و روایات بوجود می آید. روایات چیست؟ فرض بفرمائید زمانی پیغمبر اکرم فرموده اند: " اَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَيَّ بَابُهَا " این یک حدیثی است که پیغمبر اکرم بیان فرموده اند و مطالبی که پیغمبر اکرم بیان فرموده اند چهار دسته هستند:

۱- آیات قرآن

۲- مطالبی که ایشان فرموده اند. (حدیث نبوی)

۳- مطالبی که جبرئیل به ایشان وحی کرده است و ایشان بیان فرموده اند ، اما در زمره آیات قرآنی نیست. (حدیث قدسی)

۴- گفته ها و صحبت‌های روزمره پیغمبر است که در قرآن مجید به آن اشاره شده است: "که وقتی تو با یکی از همسرانت گفتگو می کردی ... " این دیگر غیر از حدیث نبوی است که یک درس و آموزش الهی در آن است که پیغمبر به عنوان درس و آموزش بیان فرموده اند و به غیر از حدیث قدسی است که جبرئیل امین به ایشان عرض کرده است که ایشان بیان بفرمایند.

پس این انواع و اقسام وجود دارد، حال وقتی پیغمبر اکرم می فرمایند: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا" یا به عنوان مثال می فرمایند: " مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ فَهَذَا عَلَيُّ مُوَلَّاهُ " اینها در واقع احادیثی هستند که خود پیغمبر بیان فرموده اند و روی اینها اجماع واقعه نگاران وجود دارد، ما نگاه می کنیم می بینیم اینها بصورت تواتر نقل شده است. در مورد اصحابشان مطالبی فرموده اند، در مورد دستوراتی که مسلمانان باید انجام دهند مطالبی فرموده اند و اما یک مقوله دیگری هم ما داریم که به آن روایت می گویند.

حال من یک مورد برای اینکه شما تفاوت بین حدیث که متعلق به رسول اکرم و ائمه اطهار [اخبار و احادیث بطور کلی] آن چیزهایی که از پیغمبر و ائمه معصومین نقل می شود که صحیح و سقیم دارد، حدیث ضعیف داریم، حدیث مردود داریم، حدیث سقیم داریم، حدیث صحیح داریم، حدیث حسن داریم. در واقع محدث قدرت تشخیص و تکنیک تشخیص اینها را دارد که در حال حاضر از سوژه بحث ما خارج است یعنی خیلی از مطالب هم وجود دارد که بسیاری از اشخاص به پیغمبر اکرم نسبت داده اند و گفته اند پیغمبر چنین فرموده اند در حالیکه محدث قدرت دارد، تکنیک و روشش را بلد است تشخیص دهد که آیا این مطلب را پیغمبر اکرم بیان فرموده اند یا این شخص از خودش در آورده و به ایشان انتساب داده است؟ یعنی مجعول است. اما اینجا اگر بحث حدیث و خبر کمابیش مقداری روشن شد می پردازیم به بحث روایت.

عزیزان! روایت عبارت است از گفته ای که یک راوی نقل می کند که به عنوان مثال پیغمبر اکرم نشسته بودند و عده ای از اصحاب در کنار ایشان بودند و بعد یک شخصی که از منکرین بوده است بنام نذرین حارثه می آید به خدمت ایشان و یک جسارتی می کند و بعد پیغمبر اکرم یک فرمایشی می فرمایند و او در خودش می لرزد و فرار می کند و می رود، این روایت است.

حال یک عده ای هستند که از نگاه به این روایات می خواهند یک احکامی استخراج کنند، این بحثی که اکنون به گفتار ما مربوط می شود یعنی به ادامه بحث سنگسار، این است که می خواهیم به شما بگویم. در یک روایت گفته شده است که یک بار پیغمبر اکرم تشریف آوردند و یک عده ای (یا دو نفر) خودشان آمدند و به پیغمبر عرض کردند که ما با یکدیگر مرتکب عمل منافق عفت شده ایم که از مقوله زنا محصنه بشمار می رود که حالا می خواهیم تکلیفمان مشخص شود، پیغمبر از اعتقادات دینی آنها سؤال فرمودند و گفتند که اینها از پیروان آئین یهودند که ایشان فرمودند خوب به روش دین خودتان عمل کنید که چون در روش آنها عمل رجم بوده است در مورد این امر خاص پس حالا می خواهند از این روایت این نتیجه را بگیرند که در زمان خود پیغمبر و با نظر خود پیغمبر این امر صورت گرفته است. به این می گویند روایت در اینجا عزیزان حدیثی در کار نیست، در اینجا آیه ای در کار نیست، در اینجا یک راوی ای دارد مقوله ای را نقل می کند به عنوان روایت یک حکایتی را نقل می کند که به این شکل بوده است و یک نفری می آید و می خواهد یک حکمی را از آن استنباط کند، می گوید چون در قرآن مجید نیست پس ما به این روایت نظر می کنیم. حال آن کسی که این را نقل کرده است، چه کسی بوده است؟ باید این را بررسی کنیم و ببینیم میزان ضعف و قوت این روایت اصلاً چه میزان است؟ بعد آیا مشمول امت اسلامی می شود یا خیر؟ چون مربوط به مقوله دیگری بوده است چنانکه در زمان حضرت امام جعفر صادق (ع) یک مطلبی در مورد ازدواج بین اعضاء یک خانواده که به لحاظ اسلامی جایز نیست اما در میان زرتشتیان آن موقع عمل می شده است، می آیند و خدمت امام عرض می کنند که دو نفر که به لحاظ اسلامی با همدیگر محرم به شمار می روند اینها می خواهند با هم ازدواج کنند ایشان می فرمایند آنها پیرو چه دینی هستند؟ می گویند پیرو دین زرتشتی که در دین زرتشت جایز است و ایشان می فرمایند اگر اینها پیرو دین زرتشت هستند که دیگر خوب این به مقوله اسلام مربوط نمی شود و بر اساس دین خودشان عمل می کنند. ببینید از این نمی شود این حکم را استنباط کرد که پس به این دلیل ازدواج محارم در اسلام جایز است.

نه جایز نیست و در قرآن مجید هم تصریح شده است که جایز نیست اما آنها پیرو قرآن مجید نیستند. در این مورد روایت هم موضوع به این ترتیب است که یک اتفاقی برای یک خانواده یهودی (برای یک زن و مرد یهودی) در روایت گفته شده است اما بحث بر سر این است که آیا روایت می تواند در تعارض با آیه قرآن

قرار بگیرد؟ و اگر قرار بگیرد تکلیف چیست؟ مانند همین مثالی که در مورد ازدواج با محارم برای شما بیان کردم.

بحث بر سر این است که هیچ پیغمبری نگفته است که اگر کسی عمل مُنافی عفت انجام داد و مرتکب زنا شد باید سنگسار شود در قرآن مجید این گفته نشده است. در قرآن مجید اگر راجع به سنگسار گفته شده است در خلال و میان روش انبیاء نبوده است. به همین دلیل نه اینکه قرآن مجید صامت است نه اینکه قرآن مجید در قبال سنگسار ساکت است، ساکت نیست به لحاظ تاریخی موضع دارد. پس وقتی آن روایت به این وضعیّت نامعلوم در تقابل با آیه ای که مشخصاً بحث رجم را مطرح کرده است به عنوان سنّت مُتَرَفِّین در عهد دقیانوس وقتی این دو در تقابل با هم قرار می گیرند ما نمی توانیم قرآن را بگذاریم کنار بگوئیم در روایت گفته شده است. نه باید قرآن را بگیریم در دست و بگوئیم آن روایت قابل اعتنا نیست.

روایت دیگری نقل می کنم که راوی گفته است : عایشه خاتون گفته بودند که ما یک تختی داشتیم که من و پیغمبر روی آن استراحت می کردیم و آیه مربوط به رجم روی برگ درختی نوشته شده بود و روی آن تخت بود بعد پیغمبر وقتی از دنیا رحلت کردند ، مردم آمدند به منزل و خانه شلوغ شد و یک بزغاله ای آمد و آن برگ را خورد و آن آیه از دست رفت ، در حالیکه این آیه وجود داشته است. بعد یک عده ای می گویند پس این آیه بوده است و مفقود شده است پس باید به آن عمل کرد.

در مورد این روایت ، دوستان عزیز ، شما بیایید به خرد خودتان رجوع کنید. اصلاً قرآن مکتوب نبوده است ، قرآن شفاهی بوده است یعنی قرآن را بطور شفاهی از حفظ داشته اند ، قرآن یعنی چیزی که قرائت می شود بعداً کتابت شده است. بسیاری از آیات قرآن را در حافظه داشته اند موقعی که خواسته اند قرآن را تألیف کنند کتابت کرده اند. نه اینکه فقط چیزهایی که نوشته بوده اند را بردارند و سرهم کنند. به همین دلیل اگر چنین آیه ای وجود داشته است یعنی حداقل ده – پانزده نفر از اصحابی که زنده بودند موقع تألیف قرآن آنرا شنیده بودند. نه اینکه پیغمبر و یا کس دیگری پنهان از دیگران و بطور مخفی روی یک برگ درختی بنویسد که بزی آن را بخورد. پس مشخص است که این روایت ضعیف است و بعد از آن حکم استنباط نمی شود. یعنی خود پیغمبر در امت اسلامی دستور به رجم هیچ مسلمانی ندادند ، از ایشان چنین حدیثی نقل نشده است. در نتیجه مسلمانی را به دستور پیغمبر اکرم رجم نکرده اند و پیغمبر دستور رجم در مورد مسلمانان را صادر نفرمودند و ما در کتب احادیث و اخبار مورد قبول عموم مسلمانان اعم از شیعه و سنی موردی نداریم که پیغمبر اکرم دستور رجم در مورد زنا محصنه داده باشند یا امر به این مقوله کرده باشند اگر یک زمانی اتفاق افتاد ، نداریم.

پس قابل انتساب به پیغمبر نیست یعنی نه در زمره آیات قرآن است و نه در زمره احادیث نبوی و نه در زمره احادیث قدسی است. آن دو روایت ضعیف را نیز وقتی به لحاظ اهمیّت روایات مورد بررسی قرار می دهیم آشکار می شود که از آنها نیز نمی توانیم نقطه ای را بیابیم که بتوان از آن حکمی استخراج نمود که آن حکم را بشود در جامعه اسلامی وارد قانون مجازات اسلامی کرد. این مربوط به فقه عامّه است که برای شما دوستان عزیز بیان کردم.

پس اینجا تفاوت بین آیات و روایات مشخص می شود. اینجا مشخص می شود که هرگاه تعارض ایجاد شود بین آیه و روایه ، تردیدی نیست که ما نمی توانیم به آیه عمل نکنیم ، تردیدی نیست! تردید نیست ، جای تردید نیست. یعنی شما دین را (اسلام را) باید با رجوع به قرآن مجید بشناسید.

اسلام منشأ و منبع و سرچشمه اش قرآن مجید است ، نه چیز دیگری و در قرآن مجید است که اگر مسلمانان به قرآن مجید برگردند و به قرآن مجید رجوع کنند آنجا سرچشمه وحدت است. اما مسئله این است که روایات در بسیاری از مدارس ، در بسیاری از مکاتب منتسب به اسلام اهمیّت بیشتری نسبت به قرآن پیدا کرده است اصلاً بسیاری هستند که تمام مبانی استنباط خودشان را روی روایات می گذارند و اصلاً کاری به قرآن ندارند. یعنی إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿۳۰﴾ (سوره فرقان) [قرآن از نظر آنها مهجور است] وقتی ما قرآن را وسط می آوریم و می خواهیم زیر نور قرآن مطالب را بشکافیم و اصول احکام را استخراج یا استنتاج کنیم روش رجم بیان نشده است و در سنّت پیغمبر اکرم هم بیان نشده است و ایشان نخستین آموزگار درس و تعالیم قرآن مجید بوده اند. پس دیگر زمانی برای ادامه سنگسار به عنوان یک مجازات اسلامی با اتکاء به قرآن باقی نمانده است